



محمد تقی مصباح یزدی

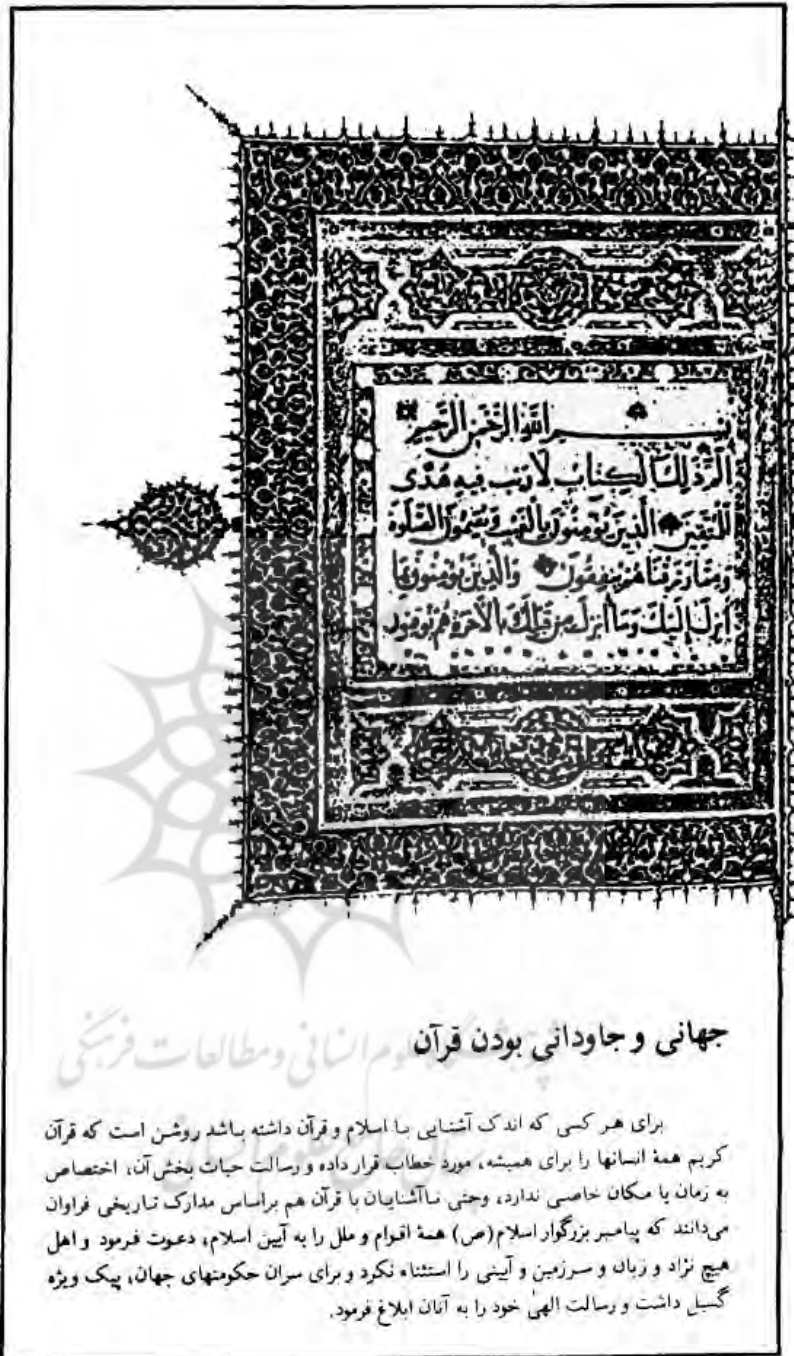
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

معارف قرآن

قسمت پنجم





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الرَّذِّكَانَ الْيَنَابِ لَا تَتَّبِعْ فِيهِ هَدَى
 الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
 وَمَا تَزِدُّهُمْ إِلَّا عَذَابًا وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
 أَنْزَلَ إِلَيْنَا لِمَا آتَيْنَاكَ مِنَ الْآخِرَةِ لِمَنْ تَزِيدُ

جهانی و جاودانی بودن قرآن و انسانیت و مطالعات فریبشی

برای هر کسی که اندک آشنایی با اسلام و قرآن داشته باشد روشن است که قرآن کریم همه انسانها را برای همیشه، مورد خطاب قرار داده و رسالت حیات بخش آن، اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد، و حتی ناآشنایان با قرآن هم براساس مدارک تاریخی فراوان می‌دانند که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) همه اقوام و ملل را به آیین اسلام، دعوت فرمود و اهل هیچ نژاد و زبان و سرزمین و آیینی را استثنا نکرد و برای سران حکومت‌های جهان، پیک ویژه گسیل داشت و رسالت الهی خود را به آنان ابلاغ فرمود.



اما نظر به اینکه دشمنان اسلام از هیچگونه تلاش و کوششی برای خاموش کردن نور الهی و جلوگیری از گسترش این آیین پاک آسمانی، خودداری نکرده و نمی‌کنند و از جمله، شبهاتی درباره محدود بودن دعوت قرآن به مردم عربستان یا عصر پیامبر اکرم (ص) القاء کرده‌اند، لازم است با استفاده از آیات کریمه قرآن، همگانی و جهانی و جاودانی بودن رسالت اسلام را اثبات کرده، بی‌پایگی و بی‌مایگی اینگونه ذرات را آشکار سازیم.

آیات مربوط به این بحث را می‌توان به دو دسته کلی، تقسیم کرد:
 یک دسته آیتی که همگانی بودن دعوت قرآن را بیان می‌کند، و دسته دیگر آیتی که دلالت بر جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم (ص) دارد.

دسته اول:

به چند دسته فرعی، منقسم می‌گردد:

الف - آیتی که همه انسانها را با تعبیر یا ایها الناس مورد خطاب قرار داده است مانند:

۱- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (بقره/۲۱)

۲- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ. (نساء/۱)

۳- يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا. (نساء/۱۷۴)

۴- يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ. (فاطر/۱۵)

ب - آیتی که نزول قرآن و بیان آیات آن را برای همه مردم، معرفی می‌کند مانند:

۱- شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ. (بقره/۱۸۵)

۲- هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ. (آل عمران/۱۳۸)

۳- هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ. (ابراهيم/۵۲)

۴- هَذَا بَصَائِرٌ لِّلنَّاسِ. (جاثیه/۲۰)

ترجمه آیات بوسیله دفتر مجله، انجام شده است:

- ۱- ای مردم خدایی را پرستید که آفریننده شما و پیشینیان شما است، باشد که (به طاعت و معرفت او) پارسا و منزّه شوید.
- ۲- ای مردم بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید.
- ۳- ای مردم برای (هدایت) شما از جانب خدا برهانی محکم آمد (رسولی با آیات و معجزات فرستاده شد) و نوری تابان به شما فرستادیم.
- ۴- ای مردم همه شما فقیر و محتاج خدا هستید و تنها خداست که بی نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است.
- ۵- ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن، برای هدایت بشر نازل شده است.
- ۶- این (کتاب خدا و آیات مذکوره) حجت و بیانی است برای عموم مردم.
- ۷- این (قرآن عظیم) حجت بالغ برای جمیع مردم است تا مردم از آن پند گرفته و خدا ترس شوند.
- ۸- این (قرآن) برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار است.



- ۵- إنا أنزلنا عليك الكتاب للناس بالحق: (زمر/ ۴۱)
- ۶- وأنزلنا إليك الذكركلنبيين للناس ما نزل إليهم: (نحل/ ۴۴)
- ۷- كتاب أنزلناه إليك ليخرج الناس من الظلمات إلى النور: (ابراهيم/ ۱)
- ۸- كذلك بين الله آياته للناس لعلهم يتقون: (بقره/ ۱۸۷)
- ۹- ولقد صرفنا في هذا القرآن للناس من كل مثل: (كهف/ ۵۴)
- ۱۰- وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون: (حشر/ ۲۱)
- ج- آياتی که همه انسانها را با تعبیر یا بنی آدم مورد خطاب قرار داده است مانند:
- ۱- ألم أعهد إليكم يا بني آدم أن لا تعبدوا الشيطان إنه لکم عدو مبين: (يس/ ۶۰)
- ۲- يا بني آدم قد أنزلنا عليكم لباساً يواري سوءاتكم: (اعراف/ ۲۶)
- ۳- يا بني آدم لا يفتننكم الشيطان كما أخرج أبوتكم من الجنة: (اعراف/ ۲۷)
- ۴- يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد: (اعراف/ ۳۱)
- ۵- يا بني آدم إنا بآياتنا رسل منكم بقصون عليكم آياتي: (اعراف/ ۳۵)
- د- آياتی که عمومیت دعوت قرآن کریم را با تکیه بر واژه العالمین بیان می فرماید،

مانند:

- ۱- إن هو إلا ذكركم للعلمين: (انعام/ ۹۰)
- ۲-۳-۴- إن هو إلا ذكركم للعلمين: (يوسف/ ۱۰۴، ص/ ۸۷، تکریر/ ۲۷)
- ۵- وما هو إلا ذكركم للعلمين: (تلم/ ۵۲)

* * *



- ۹- ای رسول، این کتاب را ما به حق برای هدایت خلق بر تو فرستادیم.
- ۱۰- و قرآن را (که جامع و کاملترین کتاب الهی است) بر تو نازل کردیم تا بر امت آنچه فرستاده شده بیان کنی.
- ۱۱- این قرآن کتابی است که ما به تو فرستادیم تا مردم را به امر خدا از ظلمت (جهل و کفر) بیرون آری.
- ۱۲- خدا اینگونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید، باشد که پرهیزگار شوند.
- ۱۳- و ما در این قرآن هرگونه مثال و بیان (برای هدایت خلق) آوردیم.
- ۱۴- و این مثالها را (در قرآن) برای مردم بیان می کنیم باشد که اهل عقل و فکرت شوند.
- ۱۵- ای بنی آدم آیا با شما عهد بستیم که شیطان را نپرستید، زیرا او دشمن بزرگ شما است.
- ۱۶- ای فرزندان آدم ما لباسی که عورت شماراستر کند و... برای شما فرستادیم.
- ۱۷- ای فرزند آدم مبادا شیطان شما را فریب دهد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد.
- ۱۸- ای فرزندان آدم زیورهای خود را به هنگام عبادت به خود برگزید.
- ۱۹- ای فرزندان آدم چون پیغمبرانی از خود شما بیایند و آیات مرا برای شما بیان کنند...
- ۲۰- (پاداش رسالت نمی خواهم)... جز آنکه اهل عالم به یاد (خدا) متذکر شوند.
- ۲۱- و این کتاب هدفی جز آنکه اهل عالم را متذکر (وبیدار) سازد ندارد.
- ۲۲- و حال آنکه کتاب الهی جز شرافت (و پند و حکمت) برای عالمیان هیچ نیست.

دسته دوم:

آیاتی نیز که مستقیماً ناظر به جهانی و جاودانی بودن رسالت پیامبر اکرم (ص) است و بالاتزام همگانی بودن دعوت قرآن را اثبات می‌کند به چند دسته فرعی، تقسیم می‌شود.

□ الف - آیاتی که رسالت پیامبر اکرم (ص) را شامل همه مردم (الناس) معرفی می‌کند مانند:

- ۱ - وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا^{۲۳}. (نساء/۷۹)
 - ۲ - قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا آتَاكُمُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ^{۲۴}. (حج/۴۹)
 - ۳ - وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا^{۲۵}. (سبا/۲۸)
- در باره واژه کافه دو احتمال است:

یکی آنکه به معنای بازدارنده و «تاء» آن برای میالغه باشد و در این صورت، عمومیت رسالت پیامبر اکرم (ص) مانند آیات قبلی تنها از کلمه الناس استفاده می‌شود. احتمال دیگر آن است که واژه کافه به معنای جمعاً و حال برای الناس باشد و در این صورت، عمومیت رسالت با تأکید بیشتری ثابت می‌گردد.

□ ب - آیاتی که رسالت پیامبر اسلام (ص) را شامل همه جهانیان (العالمین) می‌داند مانند:

- ۱ - وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ^{۲۶}. (انبیاء/۱۰۷)
 - ۲ - تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا^{۲۷}. (فرقان/۱)
- ج - آیه‌ای که با صراحت کامل، جهان شمولی دعوت قرآن کریم و رسالت پیامبر اکرم (ص) و عدم اختصاص آن به مخاطبین عرب یا هر قوم و گروه خاصی را نفی می‌کند و آن آیه (۱۹) از سوره انعام است که می‌فرماید:
- وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ لِأَنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ^{۲۸}.
- و صراحت بیشتر این آیه، از آن جهت است که در آیات گذشته عمومیت دعوت و

۲۳ - ما ترا به رسالت برای (راهنمایی) مردم فرستادیم.

۲۴ - بگو که ای مردم، من برای شما رسولی ترساننده مشفق بيش نیستم.

۲۵ - و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی، نفرستادیم.

۲۶ - ما تو را نفرستادیم مگر آنکه برای اهل عالم، رحمت باشی.

۲۷ - بزرگوار است پاک خداوندی که قرآن را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا (اندر زهای وی) اهل عالم را متذکر و خلدترس گرداند.

۲۸ - آیات این قرآن به من وحی می‌شود تا با آن، شما و هر کس از افراد بشر را که خیر این قرآن به او رسد (بند دهم و) بترسانم (از عواقب کفر و عصیان).



رسالت براساس اطلاق و عموم الفاظی مانند الناس و العالمین اثبات می‌شد، ولی در این آیه، تصریح شده است که رسالت پیامبر اکرم (ص) براساس قرآن کریم — که به آن حضرت وحی شده است — شامل هرانسانی که این پیام به او برسد، خواهد شد.

□ — آیاتی که پیروان سایر ادیان و کتب آسمانی پیشین (اهل الکتاب) را مورد خطاب قرار داده و یا ایشان را در اثر عدم ایمان به اسلام و کتمان حقیقت، مورد سرزنش قرار داده است مانند:

۱ — يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{۳۱}. (آل عمران/ ۶۵)

۲ — يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ^{۳۲}. (آل عمران/ ۷۰)

۳ — يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{۳۳}. (آل عمران/ ۷۱)

۴ — قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ^{۳۴}. (آل عمران/ ۹۸)

۵ — قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُوهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا

اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ^{۳۵}. (آل عمران/ ۹۹)

۶ — وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ^{۳۶}. (آل عمران/ ۱۱۰)

۷ — يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ^{۳۷}؛

(مائده/ ۱۵)

۸ — يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا

مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{۳۸}. (مائده/ ۱۹)

.....

۲۹ — ای اهل کتاب چرا در آئین ابراهیم با یکدیگر مجادله کنید؟ در صورتی که تورات و انجیل بعد از او نازل شد، آیا تعقل نمی‌کنید؟

۳۰ — ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کافر شدید و حال آنکه شما به صدق آن گواهی می‌دهید.

۳۱ — ای اهل کتاب چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش سازید) در صورتی که به حقیقت آن آگاهید.

۳۲ — بگوای اهل کتاب چرا به آیات خدا (راجع به نبوت پیغمبر خاتم) کافر شده، و به اعمال زشت می‌گیرید، بترسید که خدا گواه اعمال شما است.

۳۳ — بگوای اهل کتاب چرا راه خدا را می‌بندید (یعنی رسالت محمّد را انکار می‌کنید) و اهل ایمان را به راه باطل می‌خوانید در صورتی که به زشتی این عمل آگاهید بترسید که خدا غافل از کردار شما نخواهد بود.

۳۴ — و اگر همه اهل کتاب ایمان می‌آوردند برای آنان چیزی بهتر از آن نبود.

۳۵ — ای اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) را پنهان می‌دارید برای شما بیان کند.

۳۶ — ای اهل کتاب رسول ما — در روزگاری که پیغمبری نبود — آمد تا برای شما حقایق دین را بیان کند نگویید، ما را رسولی که بشیر و نذیر باشد نیامد (که هدایت یابیم) پس آن رسولی بشارت ده و بیم آورده سوی شما آمد و خدا بر هر چیز

←

مقدمهٔ معارف قرآن



□ هـ- آیاتی که نوید پیروزی اسلام بر همه ادیان و آیینها را می‌دهد مانند:

۱ - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ۚ

(فتح/۲۸)

۲ و ۳ - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

الْمُشْرِكُونَ ۚ ۳۸. (توبه/۳۳، صف/۹)

بدین ترتیب، بیش از چهل آیه، دلالت روشن و گویا بر عمومیت دعوت قرآن کریم و رسالت پیامبر اسلام (ص) دارد، از آیات دیگری نیز می‌توان این مدعی را ثابت کرد که از بررسی آنها صرف نظر می‌کنیم.

شبهات بیماردلان:

کزانديشان و بیماردلان و کسانی که خواسته‌اند از گسترش اسلام، جلوگیری کنند در صدد برآمده‌اند که با القاء شبهات و دستاویز قرار دادن پاره‌ای از آیات، چنین وانمود کنند که گویا دعوت قرآن و اسلام، اختصاص به منطقه خاص یا قوم معینی داشته است و سایر مردم، موظف به پیروی از این کتاب الهی نیستند.

این شبهات را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: مربوط به آیاتی است که در آنها از قوم یا منطقه خاصی یاد شده که پیامبر

اکرم (ص) می‌بایست به دعوت ایشان بپردازد مانند:

۱ - وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ۚ

۲ - وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ لِّلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ

حَوْلَهَا ۚ (انعام/۹۲)

۳ - وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۗ (شوری/۷)

(از فرستادن رسل و غیره) توانا خواهد بود.

۳۷ - او خدائی است که رسول خود (محمد ص) را با قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقانیت این سخن، گواهی خدا کافی است.

۳۸ - او است خدائی که رسول خود (محمد مصطفی ص) را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد و هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند.

۳۹ - خوبشان نزدیک را از (خدا) بترساند.

۴۰ - و این قرآن کتابی است که ما آن را بابرکت بسیار فرستادیم تا گواه صدق سایر کتب آسمانی که در مقابل او است باشد و خلق را از اهل مکه و هر که در اطراف او است همه را به اندرز و پندهای خود متنبه سازد

۴۱ - و همچنین قرآن فصیح عربی را به توحی کردیم تا مردم ام‌القری (شهر مکه) و هر که را در اطراف آن است (از خدا) بترساند.

در آیه نخست، پیامبر اکرم (ص) مأمور به دعوت عشیره و نزدیکان خودش شده، و در دو آیه دیگر، این دعوت را به مردم مکه (ام القری) و اطراف آن، تعمیم داده است.

۴ - **أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَابَهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِنُنذِرَ قَوْمًا مَا آتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ!** (سجده/۳)

۵ - **وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الظُّلُمِ إِذْنَا ذُنُبًا وَلَكِنَّ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِنُنذِرَ قَوْمًا مَا آتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ!** (قصص/۴۶)

۶ - **تَنْزِيلَ العَزِيزِ الرَّحِيمِ، لِنُنذِرَ قَوْمًا مَا أَنْذَرْنَا لَهُمْ فَمَنْ غَافِلُونَ!** (یس/۶۰)

در سوره سجده و سوره قصص، وظیفه پیامبر اسلام (ص) را انذار و هدایت مردمی تعیین می‌کند که پیامبری نداشته‌اند و در آیه اخیر، هر چند احتمال داده شده که «ما» نافیہ نباشد امامی توان به کمک دو آیه قبل، احتمال نافیہ بودن آن را تقویت، و همان معنی را از آن، استظهار کرد.

بنابراین، نه پیامبر اسلام (ص) وظیفه‌ای نسبت به سایر اقوام و مناطق داشته، و نه سایر مردم وظیفه‌ای نسبت به ایمان به او و پیروی از آیین اسلام داشته‌اند.

دسته دوم، مربوط به آیاتی است که سایر ادیان مانند یهودیت و نصرانیت و حتی آیین مجوس و صابین را نیز به رسمیت شناخته و ملاک سعادت دوجهان را تنها ایمان و عمل صالح، دانسته است مانند:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ مِنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ! (مانده/۶۹)

۲ - **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ!** (حج/۱۷)

۴۲ - کافران می‌گویند قرآن را او از پیش خود (بی مدد وحی خدا) فرا یافته، (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا بر قومی که رسولی پیش از توبه سوی آنان نیامده رسالت کسی و از محصیت خدا بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

۴۳ - و تو (وقتی که ما به موسی ندا کردیم) به جانب کوه طور، نبودی ولیکن (وحی ما قصص موسی و سایر رسل را به مقتضای لطف خدا است بر تو و برای این است که قومی را که بر آنان پیمبر شندری پیش از تو نیامده (و کتاب آسمانی به دست ندارند) از خدا بترسانی، باشد که متذکر شوند و راه هدایت پیش گیرند.

۴۴ - (این قرآن تو کتابی است که) از جانب مقتدر مهربان نازل شده است، قومی که پدرانشان به کتب آسمانی پیشین، وعظ و اندرز شدند، آنها را به این قرآن بند دهی و (از قهر حق) بترسانی که ایشان سخت غافلند.

۴۵ - البته هر کس از گرویدگان به اسلام و فرقه یهودان و ستاره پرستان و نصاری که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکار شود (در دو جهان) او را ترسی (از آنچه پیش آید) و اندوهی بر آنچه از او فوت شود نخواهد بود.

۴۶ - البته بین اهل ایمان و یهود و ستاره پرستان و نصاری و غیر، آنان که به خدا شرک آوردند محققاً روز قیامت خدا جدائی خواهد افکند (و هر کس را به جایگاه استحقاقش می‌برد) و او بر احوال همه موجودات عالم (بصیر و) گواه است.



پاسخ اجمالی :

پاسخی را که به طور اجمال به اولین دسته از شبهات می‌توان داد، این است که ذکر قوم یا منطقه معین در بعضی از آیات که به منظور خاصی انجام گرفته، دلالتی بر اختصاص دعوت اسلام به همان قوم و منطقه ندارد و هرگز نمی‌توان آنها را به عنوان «مخصص» و «مقید» برای آیات عام و مطلق تلقی کرد زیرا:

اولاً: چنین آیاتی ابناء از تخصیص و تقیید دارند.

ثانیاً: دلیل عام یا مطلق که حکمی را اثبات می‌کند، در صورتی که قابل تخصیص و تقیید باشد باید به صیغه نفی و به صورت استثناء تخصیص داده شود نه با صیغه ایجاب.

ثالثاً: تخصیص و تقیید در موردی صحیح است که موجب خروج اکثر افراد و موارد نباشد و گرنه مستهجن و غیر مقبول خواهد بود و در سخن متکلم حکیم، راهی نخواهد داشت، مثلاً نمی‌تواند لفظ «العالمین» را که شامل میلیاردها انسان می‌شود چنان تخصیص داد که منحصر به عده محدودی شود.

و درباره دسته دوم از شبهات اجمالاً باید گفت که این گونه آیات ابداً دلالتی بر محدود بودن وظیفه پیامبر اکرم (ص) یا معاف بودن پیروان سایر ادیان از ایمان به آن حضرت ندارد، بلکه آیه اول در صدد بیان این نکته است که صرف انتساب به این یا آن آیین، ملاک سعادت نیست و رستگاری حقیقی در گرو ایمان واقعی و عمل شایسته است، و آیه دوم در مقام بیان این مطلب است که خدای متعال پیروان ادیان و آیینهای مختلف را به حال خود وا نمی‌گذارد و طبق ادعای خودشان هم که هر کدام آیین خود را حق می‌پندارد، رفتار نمی‌کند بلکه بر اساس حق و عدل، میان ایشان داوری خواهد کرد و به همین جهت والدین اشراک را هم عطف بر دیگران کرده است با اینکه جای توهم امضاء شرک از دیدگاه قرآن کریم، وجود ندارد.

پاسخ تفصیلی : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اما پاسخ تفصیلی از شبهات را با ذکر این مقدمه، شروع می‌کنیم که بی‌شک پیامبر اکرم (ص) در شهر مکه و در میان قوم عرب از قبیله قریش برخاست، و مبعوث شدن پیامبر خاتم از میان چنین مردمی حکمتهایی داشت که در اینجا مجال بیان آنها نیست، بهرحال، در نخستین سالهای بعثت، مأمور شد که دعوت خود را از خویشاوندان و نزدیکانش آغاز کند و آیه وانذر عشیرتک الاقرین مربوط به این مرحله است.

آغاز کردن دعوت از خویشاوندان، علاوه بر اینکه یک امر کاملاً طبیعی است در



جامعه قبایلی آن روز نقش مهمی در پیشرفت کار داشت و تأکید بر این مطلب به هیچ وجه دلیل محدودیت رسالت آن حضرت به خانواده خودش نبود و از این روی، هیچ منافاتی با تعمیم دعوت نسبت به همه مکه و شهرهای مجاور آن نداشت، به همین ترتیب، ذکر **أُمِّ الْقُرَىٰ وَقِنِ حَوَالَهَا يَا قَوْمِ مَا آتَاهُم مِّنْ نَّدِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ** هم منافاتی با جهانی بودن رسالت آن حضرت که در آیات دیگری به آن تصریح شده نخواهد داشت.

لازم به یادآوری است که در سوره انعام چنین آمده است: **وَلْتُنذِرْ أُمَّ الْقُرَىٰ...** و ذکر حرف عطف در چنین عبارتی نشانه این است که انذار عرب، یکی از وظایف پیغمبر اکرم (ص) بوده و نه همه آن چنانکه حرف عطف در سایر آیات تعلیل و بیان حکمت‌ها و غایات نیز همین نکته را افاده می‌کند، بگذاریم از اینکه بعضی از مفسرین، منظور از **ومن حولها** را همه مردم روی زمین دانسته‌اند و تعبیر **ام القری** درباره شهر مکه را نشانه مرکزیت این شهر نسبت به همه مناطق روی زمین از دیدگاه قرآن شمرده‌اند چنانکه روایاتی نیز به این مضمون، وارد شده است.

بنابر این، آیات مزبور در مقام بیان مراحل مختلف دعوت نبوی است که از خانواده و عشیره، شروع شده و سپس به مردم مکه و حوالی آن، گسترش یافته و آنگاه همه مردم عربستان را دربر گرفته و بعد شامل کشورهای بزرگ آن زمان شده است، و این همه، به معنای اختصاص رسالت آن حضرت به مردم آن زمان هم نیست بلکه به دلیل آیات عام و مطلق، شامل همه انسانها تا پایان جهان و در هر سرزمین و از هر نژاد و قوم و آیین می‌شود و هیچ فرد و گروهی مستثنی و معاف از پذیرفتن آن نخواهد بود، **وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَحَقَّ بَلْغٌ** (انعام/۱۹) اما ادعای اینکه اسلام، سایر ادیان آسمانی را به رسمیت شناخته، تنها به این معنی قابل قبول است که برای اهل کتاب، مزایایی قائل شده و آنان را هم سنگ مشرکان قرار نداده است ولی باید دانست که دادن امتیازات حقوقی و بین‌المللی به آنان به معنای امضاء دین و آیین ایشان حتی بعد از ظهور اسلام و به معنای مکلف نبودن آنان به پیروی از شریعت اسلام نیست بلکه بر حسب اقتضای پاره‌ای از مصالح، در این عالم، ارفاقهایی را در حق ایشان روا داشته است، هر چند بر حسب روایات شیعه، این ارفاقها هم موقتی است و در زمان ظهور ولی عصر **عجل الله فرجه الشريف** حکم نهایی ایشان، اعلام، و با آنان مانند دیگر کافران رفتار خواهد شد.

و درباره دو آیه اخیر باید گفت:

آیه (۱۷) از سوره حج، ابدأ ارتباطی با به رسمیت شناختن سایر ادیان ندارد زیرا در این آیه، از مشرکان هم در ردیف اهل ملل، نام برده شده و کسی که آشنایی با لحن آیات قرآن کریم داشته باشد می‌داند که لحن این آیه، تهدیدی برای غیر مسلمانان است که خدا درباره ایشان قضاوت نهایی را خواهد کرد و آنان را محکوم خواهد نمود، و چنانکه اشاره شد هر کس



کمترین آشنایی با بیسنش اسلامی داشته باشد می داند که در اسلام، جایی برای آشتی با شرک و مشرکان، وجود ندارد و قرآن کریم صریحاً اعلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ^{۴۷}. (نساء/۴۸)
و چنانکه در سوره (آل عمران/۸۵) تأکید می فرماید:
وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

و هر چند واژه اسلام بر سایر ادیان توحیدی که آلوده به تحریفها و گرایشهای شرک آمیز نشده باشد، هم اطلاق شده است ولی باید توجه داشت که یکی از ارکان همه ادیان توحیدی، ایمان به همه پیامبران خدا و نفی هرگونه تفرقه و تبعیض بین ایشان است.

لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^{۴۹}. (بقره/۱۳۶)

چنانکه ایمان واقعی به هر پیامبری، مستلزم تصدیق اخبار و بشارت وی در باره سایر پیامبران است و هر کس زمان پیامبر بعدی را درک کند وظیفه دارد به او نیز ایمان بیاورد و دستوراتش را اطاعت کند و اگر در قرآن کریم از بعضی از پیروان ادیان پیشین، ستایش شده، مربوط به کسانی است که زمان پیامبر بعدی را درک نکرده اند یا اگر درک کرده اند به او هم ایمان آورده اند چنانکه بسیاری از علماء اهل کتاب بر اساس نشانه ها و بشاراتی که از انبیاء پیشین در اختیار داشتند به حقانیت پیامبر اسلام (ص) شهادت دادند و به او ایمان آوردند و قرآن کریم، همین شهادت آنان را یکی از ادله حقانیت وی و حجتی علیه کافران، قلمداد کرده است، در آنجا می فرماید **أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ تَقْلَمُهُمْ عَلَمًا بَنِي إِسْرَائِيلَ**^{۵۰} (شعراء/۱۹۷) و اما تأکید بر ایمان به خدا و روز قیامت و عمل صالح، به عنوان ملاک سعادت و رستگاری به معنای نفی لزوم ایمان به پیامبران و کتب آسمانی نیست، بلکه ایمان به خدا مستلزم پذیرفتن پیامهای او است که به وسیله انبیاء ابلاغ می شود و در این جهت، همه پیامها یکسان است و انکار بعضی به منزله انکار همه آنها است چنانکه در آیه (۱۵۰) از سوره نساء می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا^{۵۱}.



۴۷ — محقق است که خدا هر کس را که به او شرک آورد، نخواهد بخشید.

۴۸ — و هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند، هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است.

۴۹ — و میان هیچ یک از پیغمبران فرق نگذاریم و به هر چه از جانب خدا است گرویده و تسلیم فرمان او هستیم.

۵۰ — آیا این خود برهان روشنی بر کافران نیست که علماء بنی اسرائیل بر این قرآن آگاهند؟

۵۱ — آنان که به خدا و رسولان او کافر شده و میان خدا و پیغمبرانش جدایی اندازند (یعنی می گویند که اینان فرستاده خدا نیستند) و گویند که ما به برخی از گفتار انبیاء ایمان آورده و به پاره ای ایمان نیاوریم و خواهند که میان کفر و ایمان راهی (از روی هوی و هوس) اختیار کنند، به حقیقت، اینها کافرند و ما برای کافران عذابی خوار کننده مهیا ساخته ایم.

